



صفحه ۷

۱۵ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۱۴۵

ریالیا و دلاریا!



آخر شب بود. دیگر زندانیان خواب بودند. صورتم را از بین میله های سلول به زور به چپ و راست می چرخاندم تا ببینم زندانیان کی می آید. در تاریکی شب نفهمیدم از کدام سمت آمد. یکهو ظاهر شد. به او گفتم: «دیر کردی.» گفت: «فقط تو نیستی که. من سنگ صبور زندانیای دیگه هم هستم. تا قصه شون رو بگن و خوابشون ببره. کلی طول می کشه!» گفتم: «حالا نمی شه یه بار هم تو برای ما قصه یا لالایی بگی؟! شاید خودت خوابت ببره و ما کلید رو برداریم و دیگه منتظر سند اون بنده خدا نباشیم که هر سری ما رو نجات می ده.» و ریز خندیدم. گفت: «تو اگه لالایی بلدی، چرا خودت خوابت نمی بره؟! باید من بیام قصه رو بشنوم؟!» گفتم: «من می توانم خودم رو به خواب بزنم. ولی خوابم نمی بره. چون عذاب وجدان دارم! باید با یکی صحبت کنم. شما هم جای تراپیستما!» گفت: «خب بگو. وقت ندارم. این دفعه سر چی آوردنت اینجا؟» گفتم: «هیچی دیگه. اصلا در نظر نمی گیرن من دست و پا و زبونم در اختیار خودم نیست. نیتم خیره که حرفای گنده کنده می زنم. ولی خب زدن توی برجکم! دشمن نمی خواد ما پیشرفت کنیم.» گفت: «چی گفتی مگه؟» گفتم: «هیچی، گفتم من می خوام بانک بزنم. می خوام سیستم حمل و نقل رو نوسازی کنم. می خوام کیلوکیلو و پالت پالت طلا و دلار وارد کشور کنم.» گفت: «خب شاید از این وعده هادادی، ولی خرابکاری کردی و بعدش هم گفتی دست من نبود! یا از دهنم دررفت! یا پای من رو به این جور

ویدئویی از ولادیمیر پوتین و کیم جونگ اون منتشر شده که با یک ماشین به محل مذاکرات در اجلاس شانگهای رفتند



میرسلیم: بنده فیلم رو با دقت دیدم. خودمونیم. ماشینشون با یک ۲۰۶ صندوق دار تقویت شده مو نمی زد!

ایران خودرو: ما این فیلم کوتاه رو رصد کردیم و متوجه شدیم همگام با صنعت جهانی خودرو پیش می ریم. چون لاستیک خودروهای تولیدی ما هم عین لاستیکای همون ماشین گرد هستن.

کیم جونگ اون: روابط ما رو به گسترشه. یادمه توی اجلاس قبلی، پوتین فقط برای من بوق زد. ولی این دفعه من رو سوار کرد. دفعه بعد قطعاً می ذاره فلشم رو هم بزنم توی ضبطش.

پوتین: دفعه بعدی خواستی سوار بشی، اگه گزینه «عجله دارم» رو بزنی، زودتر سوارت می کنم.

دونالد ترامپ: من اگه می دیدم راننده این یارو پوتینه، درجا «لغو سفر» می زدم!

سخنگوی داعش: کاش من هم یک همتای سیاسی این مدلی داشتم که با هم سوار یک ماشین می شدیم و یک عملیات انتحاری مشترک انجام می دادیم. پشت سقش هم یک تیربار نصب می کردیم.

گوریل انگوری: می گم یک تعارف هم به من می زدین روی سقف بشینم.

اسنپ: کیم جونگ اون عزیز با کد تخفیف PUTINKIM یک تخفیف ۲۰ درصدی در سفر بعدی بگیرد.

صداوسیما کره شمالی: کیم جونگ اون پوتین را سوار ماشینش کرد.

رئیس مجلس:

مردم قطعی برق را می پذیرند، ولی بی نظمی و بی عدالتی در قطعی برق را نمی پذیرند.



مردم:

این را که مسئولان درباره هر چیزی اظهار نظر کنند، می پذیریم، ولی این را که درباره «پذیرش» مردم اظهار نظر کنند، دیگر واقعا نمی پذیریم.

فرمانده پلیس راهور:

مردم این را که یک نپسان آبی به سمت راست راهنما بزنند و ناگهان به چپ بپیچند، می پذیرند، اما این را که یک راننده خانم جلوشان با سرعت مجاز و آهسته حرکت کند، نمی پذیرند.

اتحادیه نانوایان:

مردم کم شدن ۱۰ هزار تومانی ارزش پول ملی را می پذیرند، ولی کم شدن تعداد چهارتا کنجد از روی نان کنجادی را نمی پذیرند.

وزیر اقتصاد:

مردم تورم کم ترشکن ۹۰ درصدی را می پذیرند، ولی اینکه ما آن را ۲۸ درصد اعلام کنیم، نمی پذیرند.

وزیر آموزش و پرورش:

دانش آموزان کمبود چند ماهه معلم ریاضی و فیزیک را می پذیرند، ولی ۱۰ دقیقه دیر آمدن معلم ورزش را هرگز نمی پذیرند.